

محلات منطقه ما: زرکش، شهرک مطهری
مشهدقلی، نوده، توس، مهدی آباد، حجت، نوید، فدک
کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایثارگران، شفا، قدس
ابوطالب، هنرور، مطهری، سمرقند، آیت... عبادی
عامل، جانباز، فرامرز عباسی و بهاران

شهر محلات

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۵۲ / شنبه ۲ شهریور ۹۸

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرامحله از SHAHRARANNEWS.IR

۸ صفحه

باحضور رؤسای نواحی
وتسهیلگران انجام شد

معاون عمران، حمل و نقل و ترافیک شهر داری مشهد:

روایتی از مشکلات خیابان ولیعصر
که رفت و روب و وضعیت پارک مهم ترینشان است

بررسی نظرات طرح محله ما

طرح محله ما پایش به منطقه ۲ هم باز شد. بناست برای ۴ محله حسین باشی، امیرالمؤمنین، نوده و هنرور بودجه ای در نظر گرفته شود که برای هزینه کردش مردم تصمیم بگیرند.

دوربرگردان غیرهم سطح ابوطالب ۲۲ بهمن ماه افتتاح می شود

اگر از میدان امام حسین مشهد که خودش همیشه دست به گریبان ترافیک است بخواهید به سمت سپاد که بخش استراتژیک منطقه ماست بیایید...

پارک اریب ممنوع!

این بار قرار است سری به خیابان ولیعصر بزنیم و از نگاه شهروندان این محله منظر شهر را نظاره کنیم. می خواهیم نگاهی دقیق تر به مشکلاتش بیندازیم و کمی پای درد دل شهروندان ساکن در این محله بنشینیم.



گپ و گفت با سید محمد تشکری که اولین پارچه فروشی خیابان تعمیدی است

سید ارزان فروشی



با حضور رؤسای نواحی و تسهیگران انجام شد

بررسی نظرات طرح محله ما

بود. وی به درخواست‌هایی که بین سازمانی است و تنها به شهرداری بر نمی‌گردد نیز اشاره کرد و گفت: جانمایی چراغ برق، یک طرفه شدن خیابان حسین باشی ۱۳، رفع تاریکی برخی از خیابان‌های حسین باشی و... دیگر درخواست‌های مردمی بود. سعید ملکی، رئیس اداره فضای سبز منطقه ۲، در پاسخ به برخی درخواست‌هایی که مربوط به اداره او بود، گفت: اولویت من به عنوان رئیس اداره فضای سبز خیابان‌های اصلی است. در واقع محدوده کاری نیروهای فضای سبز هم خیابان‌های اصلی است و آن‌ها از مشکلات فضای سبز خیابان‌های فرعی بی‌خبر هستند. چرا که ما به خیابان‌هایی که بیشترین تردد و بهره‌برداری را دارند، خدمات می‌دهیم. در این موارد باید تسهیگر با کارشناس ما هماهنگ باشد و از این محله بازدید کنند. وی ادامه داد: در حسین باشی زمین با کاربری فضای سبز نداریم. به نظرم باید برای رسیدن به نتیجه بهتر تسهیگر با کارشناس فضای سبز، خدمات شهری و فنی و عمران به بازدید از حسین باشی و دیگر محلات طرح «محله ما» برود.

سرپرست اداره ناحیه یک منطقه ۲ نیز گفت: رفع مشکلات حسین باشی ۱۳ و ۹ اولویت ماست. خودمان می‌دانیم در حسین باشی بوی جوی‌ها وجود دارد اما این را هم در نظر بگیرید که در این محله آب سطحی رها شده نداریم بلکه این مردم هستند که فاضلاب خانگی‌شان را به جوی‌ها سرازیر می‌کنند. پرهام تقویان افزود: درباره درپوش فلزی که به آن اشاره شد، مسئله اینجاست که آنجا قبلاً درپوش نداشت و چاه جمع‌آوری آب وجود

رفع آب‌گرفتگی، اصلاح سرعتگیرها و... بود. طبق نظرات مردمی، رفع مشکل باکس زباله‌های این محله درخواست دیگر مردم این محله بود. سامان‌دهی جوی آب حسین باشی ۱۶ که بوی بد آن مردم را کلافه کرده، درخواست دیگر مردم این محله بود. آن‌ها خواستار پوشیده شدن روی این جوی بودند.

وی اضافه کرد: سامان‌دهی جوی آب حسین باشی ۹ و ۱۱ که درپوش فلزی دارد درخواست دیگر مردم بود. اهالی می‌گفتند این درپوش هنگام تردد خودروها صدای بسیاری دارد، افزون بر این موتورسواران هنگام عبور از روی این درپوش‌ها گاهی زمین می‌خورند. همچنین رفتگرها سرجاروهایشان را زیر این درپوش می‌ریزند و جوی زیر آن خوب نظافت نمی‌شود. تسهیگر محله حسین باشی به درخواست دیگر مردم این محله اشاره کرد و گفت: اهالی خواستار پیاده‌راه شدن این خیابان که به طولانی‌ترین کوچه مشهد معروف است، هستند. با این اقدام مشکل ترافیک گاه و بیگاه این خیابان هم رفع خواهد شد.

خدیبوی ادامه داد: اهالی محله حسین باشی به مشکل نبود فضای ورزشی هم اشاره کرده‌اند و حتی زمین خالی را نشانم دادند که متعلق به شهرداری است و فقط لازم است دورش فنس کشی شود تا بچه‌ها ساعت‌های فراغشان را در آن بگذرانند. این تسهیگر در ادامه به دیگر درخواست‌های مردمی در طرح «محله ما» اشاره کرد و گفت: سامان‌دهی اراضی رها شده، نقاشی دیواری، کاشت درخت، هرس درختان و... برخی از این درخواست‌ها

طرح محله ما پیش به منطقه ۲ هم باز شد. بناست برای ۴ محله حسین باشی، امیرالمؤمنین، نوده و هنرور بودجه‌ای در نظر گرفته شود که برای هزینه کردش مردم تصمیم بگیرند. تسهیگران بین مردم این محلات رفته‌اند و از آن‌ها پرسیده‌اند چه امکاناتی لازم دارند و محله‌شان چه مشکلی دارد. چند روز پیش جلسه این تسهیگران با رؤسای نواحی و ادارات در سالن اجتماعات فرهنگسرای حجاب برگزار شد.

رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی منطقه ۲ در این جلسه گفت: ۵ درصد از بودجه عمرانی به طرح محله ما اختصاص یافته است. بناست مردم تصمیم بگیرند که چه خواسته‌های دارند و این هزینه در همین راستا به‌کارگرفته شود. تلاش کردیم تا جایی که امکان دارد افراد بیشتری در این طرح سهیم باشند و از نظرات افراد بیشتری جویا شویم. سجاد رستمی اضافه کرد: در این جلسه بناست تسهیگران جمع‌بندی این نظرها را در اختیارمان قرار دهند تا رؤسای نواحی و ادارات نیز در این مورد نظر بدهند. سپس تسهیگر محله حسین باشی گزارشی از حضور طرح «محله ما» در این محله ارائه کرد. او با مغازه‌دارها، ساکنان و... نیز صحبت کرد و ۴۷۹ نظر را در این باره جمع‌آوری کرده بود. زینب خدیوی، کنش تسهیگر محله حسین باشی، ادامه داد: طبق اولویت‌بندی اولین درخواست اهالی این محله، لکه‌گیری آسفالت،

۵۲

محبوبه فرامرزی

بناست برای ۴ محله حسین باشی، امیرالمؤمنین، نوده و هنرور بودجه‌ای در نظر گرفته شود که برای هزینه کردش مردم تصمیم بگیرند

۶۶

وقتی سر به بیابان گذاشتیم

حرف اول



محبوبه فرامرزی
دبیر شهرارامحله منطقه ۲

تمام شب دندان درد امانم را بریده بود. شاید یکی دو ساعت بود که با خوردن دارو آرام شدم و خوابم برد. آن قدر غرق خواب بودم که با شنیدن آژیر دزدگیر همسایه فکر می‌کردم خواب می‌بینم. هر چی از این شانه به آن شانه شدم و با خودم کلنجار رفتم که صدای قطع شود، نشد که نشد. چشم‌هایم را که باز کردم دیدم دیگر اعضای خانواده هم بیدار شده‌اند و به صاحب خود روید و بیراهه می‌گویند. ساعت ۵ و نیم صبح جمعه، سرها را از پنجره در آورده بودیم و با هم صحبت می‌کردیم که سمنند سفیدی که آژیر دزدگیرش یکسره شده، متعلق به کدام همسایه است. برای یک دقیقه صدا قطع می‌شد، هر کدام به اتاق‌های خودمان می‌رفتیم و دوباره صدای آژیر و غرولند اهالی خانه بلند می‌شد. خوب که دقت کردم کل ساختمان اوضاع‌اشان همین بود.

پسرم در و پنجره‌ها را بست، در گوشش هدفون گذاشت اما باز هم بی‌فایده بود. آن قدر صدای آژیر بلند بود که خواب برای آدم نمی‌گذشت. یکی از همسایه‌ها از ساختمان بیرون رفت و به دنبال صاحب خودرو می‌گشت. بنده خدا خجالت می‌کشید در خانه همسایه‌ها را بزند. همه می‌دانستند صاحب خودرو خانه‌اش این اطراف نیست، خودرویش را مقابل خانه ما گذاشته و معلوم نیست چند خانه بالاتر یا پایین‌تر در خواب‌ناز است و صدای آژیر خودرویش را هم نمی‌شنود. علتش هم این است که ما برای امنیت بیشتر مقابل هر دو در پارکینگمان دور بین نصب کرده‌ایم. برای همین همسایه‌ها بدون در نظر گرفتن این موضوع که اهالی یک ساختمان هزینه دور بین را تقبل کرده‌اند خودرویشان را برای امنیت بیشتر مقابل آپارتمان ما پارک می‌کنند.

همسایه بخت برگشته ما کله صبح جمعه در کوچه ایستاده بود و به اطراف نگاه می‌کرد. اگر عابری رد می‌شد با خجالت می‌پرسید نمی‌دانید این خودرو متعلق به کدام همسایه است، سرمان را برده بچه کوچک داریم نیم ساعت است یک بند آژیر می‌کشد. مادیر قید خواب رازدیم و بساط صبحانه را با همان صدای آژیر چیدیم. بعضی همسایه‌ها که به کوه و دشت زدند و به قول خودشان از سروصداسر به بیابان گذاشتند.

ساعت نزدیک ۸ صبح بود که بالاخره صاحب خودرو دزدگیر به دست به سمت خودرویش دوید. نگاهی به اطراف انداخت و صدای دزدگیر خودرویش را قطع کرد. یکی از همسایه‌ها سرش را از پنجره بیرون آورد و گفت کجایی مرد حسابی سروصداسرمان را برد. صاحب خودرو بدون اینکه سرش را بلند کند و به همسایه‌مان نگاهی بیندازد، گفت خودرو است دیگر زبان نمی‌فهمد. در حالی که خنده ریزی به لب داشت، گفت چشم می‌گویم دیگر سروصدای راه نیندازد.

نمی‌دانم خودخواهی تعریف دیگری می‌تواند داشته باشد؟ اهالی یک ساختمان و حتی ساختمان‌های اطراف را کله صبح بی‌خواب کنی و بعد تنها جوابی که می‌توانی به این مردم آزاری داشته باشی، تمسخر باشد.

اینکه گذشتگانمان گفته‌اند؛ شعور به تحصیل نیست، ثروت به دارایی نیست در گران‌بهای است، واقعا همین طور است. رفتار و منش آدم‌هاست که سوادشان را مشخص می‌کند. انسان دوستی و اخلاقشان دارایی نیکشان محسوب می‌شود. چون از دارایی و سوادشان چیزی جز رفتارشان به همسایه‌ها نمی‌رسد.

دریافتی

به قلم دوربین

برگزاری جشنواره قربان تا غدیر در پارک حجاب

گرفت و محور تمامی آیت‌های برنامه‌ها بود. تفکیک زباله، حضور موتورسواران در پیاده‌رو، پارک روی خط عابر پیاده و... از موضوع‌هایی است که در شب‌های مختلف از طریق نمایش، طنز، مسابقه و... فرهنگ‌سازی شد. اجرای تئاتر، سرود، مسابقه، طنز و... بخش‌های مختلف جشن‌های قربان تا غدیر را تشکیل می‌داد. هر شب در حاشیه برگزاری جشن قربان تا غدیر، نمایشگاهی از محصولات تولیدی بانوان فرهنگسرای حجاب به معرض نمایش گذاشته می‌شد.

اداره فرهنگی، اجتماعی، شهرداری مشهد در پارک حجاب جشن ویژه‌ای از عید قربان تا غدیر برگزار کرد. به گزارش شهرارامحله، جشنواره قربان تا غدیر در فضای باز پارک حجاب هر شب از ساعت ۲۱ تا ۲۳ با حضور شهروندان برگزار شد. در این جشن‌ها هر شب موضوع فرهنگ شهروندی و فرهنگ ترافیکی مد نظر قرار

۵۴

محبوبه فرامرزی



داراست. پیرمردها در سایه درختان می‌نشینند و کودکان هم در فضای بازی آن تفریح می‌کنند. ست ورزشی هم پذیرای جوانان بسیاری است. با توجه به اهمیت این پارک، کف‌سازی زمین بازی پارک خطی هدایت با هدف افزایش ایمنی و رضایت شهروندان از سوی شهرداری منطقه ۲ انجام شد.

خیابان هدایت دارای پارک خطی ای است که از محله‌های اطراف هم برای گذراندن وقت به آن مراجعه می‌کنند. محله هدایت چند پارک کوچک محلی دارد اما هیچ‌کدام امکانات ورزشی و فضای بازی چندانی برای کودکان ندارد. اما پارک خطی خیابان هدایت این دو امکان را با هم



معاون عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد:

دوربرگردان غیرهم‌سطح ابوطالب ۲۲ بهمن ماه افتتاح می‌شود



داشت به دلیل برخی مشکلات دیگر درپوش فلزی نصب کردیم. لعیا طالب همت، تسهیلگر محله کوی امیرالمؤمنین نیز در این جلسه به جمع‌آوری ۸۰۰ نظر مردمی از این محله اشاره کرد و گفت: مردم این محله خواستار مشکلات پارک نیلوفر شدند. مشکلاتی مانند استقرار نگهبان، احداث سالن ورزشی ویژه بانوان، تجهیز فضای ورزشی، افزایش کیفیت نورپردازی بوستان و...

وی ادامه داد: مردم درباره نظافت مخازن گالوانیزه زباله که در ولیعصر ۲۵ قرار دارد، گلایه داشتند چون بوی نامطبوعی می‌دهد و مردم را آزرده می‌کند. رئیس اداره ناحیه ۴ منطقه نیز در پاسخ گفت: مشکلات کوی امیر محدود به پارک نیلوفر نیست. مردم مشکلات بیشتری دارند.

شهرام خلیلی افزود: درباره باکس زباله ولیعصر ۲۵ باید این‌طور توضیح بدهم که این باکس‌ها برای سرجاوی رفتگرهاست نه زباله از شب جامانده مردم. آنقدر حجم زباله‌های مردمی در این خیابان زیاد شد که مجبور شدیم به این باکس‌ها اضافه کنیم و الان ۵ باکس در این خیابان مقابل ساختمانی که متعلق به اداره برق است جانمایی شده است. در این باره تنها به فرهنگ‌سازی نیاز داریم تا مردم پی به کاربری این سطل‌های گالوانیزه ببرند.

ملکی، رئیس اداره فضای سبز هم در ادامه گفت: ۵ سال است باید چمن میدان توحید بازپیرایی شود، بودجه نداریم الان چطور من برای پارک نیلوفر که پارکی محلی است و رفت‌وآمد محدودی در آن در جریان است، هزینه کنم. اولویت ما در اداره فضای سبز طور دیگری تعریف شده است.

با طولانی شدن جلسه بنا شد تسهیلگران هر محله به ناحیه مربوط برونند و با رؤسای نواحی به صورت جداگانه جلسه بگذارند تا به نتیجه مطلوبی برسند.

زدن به ۱۲ متر خواهد رسید؛ همچنین ۶۰۰ مترمربع مساحت زیرسازی پل است.

کازمی ادامه داد: موضوع‌های مربوط به ایمنی بزرگراه و زیست محیطی و تردد شهروندان و ترافیکی که اکنون به ناچار به میدان سپاد منتقل می‌شود ما را بر آن داشت که این پروژه در اولویت اجرا قرار گیرد.

وی خاطرنشان کرد: تا پایان سال تقریباً ۴ پروژه را در حوزه حمل و نقل و عمران داریم و پروژه‌هایی که اواخر سال گذشته و اوایل امسال عملیات اجرایی آن‌ها آغاز شده بود نظیر جلوخان فردوسی، جاده محمدآباد، دوربرگردان آیت... هاشمی رفسنجانی، چیگرد شهید ناصری و بولوار کشاورز از مهرماه آماده بهره‌برداری خواهد شد.

شاید طی چند ماه آینده ترافیک این محدوده نه تنها کم نشود بلکه به حجم آن افزوده شود اما بالاخره این موضوع با ایجاد دوربرگردان غیرهم‌سطح ختم به خیر خواهد شد و زانران و مجاوران شاهد ترافیکی روان و امن خواهند بود.

شهرداری مشهد گفت: طبق روال و برنامه‌ریزی‌های اواخر سال گذشته و امسال یکی از اقدامات عمران و حمل و نقل احداث دوربرگردان ابوطالب شمالی بود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، خلیل... کازمی در مراسم آغاز عملیات اجرایی دوربرگردان غیرهم‌سطح ابوطالب بیان کرد: در وضعیت موجود خودروهایی که می‌خواهند وارد بولوار ابوطالب شوند در محل دوربرگردان همسطحی که در بزرگراه ایجاد شده است تغییر مسیر می‌دهند که تصادف‌های منجر به فوت و جرح مربوط به همین دوربرگردان بوده است به گونه‌ای که در طول یک سال گذشته حدود ۲۴ تصادف منجر به فوت و جرح در این مسیر رخ داده است.

وی با بیان اینکه دوربرگردان غیرهم‌سطح ابوطالب ۲۲ بهمن ماه افتتاح می‌شود، گفت: سازمان عمران شهرداری با اعتباری بالغ بر ۱۱۰ میلیارد ریال محرجی این پروژه است. این پروژه به سبک تک قوسی بتنی احداث خواهد شد، عرض باند ۹ متر و در محل دور

اگر از میدان امام حسین مشهد که خودش همیشه دست به گریبان ترافیک است بخواهید به سمت سپاد که بخش استراتژیک منطقه ماست

بباید شک نکنید در هر ساعت از شبانه‌روز باشد ترافیکی عظیم بین این دو میدان مشاهده خواهید کرد. مسیر چند صدمتری را اگر تصادفی در همین مسیر رخ ندهد باید حدود نیم ساعته طی کنید. وقتی به محلی که ترافیک کم‌رنگ می‌شود می‌رسید متوجه می‌شوید عامل ترافیک دوربرگردان خیابان ابوطالب است. این دوربرگردان سال‌هاست که با وجود اصلاحات هندسی متعدد که از سوی شهرداری انجام شده است باز هم افزون بر افزایش میزان ترافیک موجب بروز تصادف‌های جرحی می‌شود. آماری که سرسام‌آور است و نارضایتی بسیاری به دنبال دارد.

آنچه اهمیت توجه به این مشکل را بیشتر می‌کند، حضور زانران از شهرهای مختلف است که برای رفتن به منطقه گردشگری سپاد وارد صدمتری مشهد می‌شوند و شاهد این ترافیک و بعضاً درگیر تصادف می‌شوند.

مدیریت شهری با علم به این موضوع برای ایجاد دوربرگردان غیرهم‌سطح ابوطالب آستین بالا زد. عملیات آغاز این دوربرگردان غیرهم‌سطح با حضور شهردار مشهد، شهردار منطقه ۲، معاون عمران، حمل و نقل و ترافیک مشهد و... برگزار شد. در این مراسم معاون عمران، حمل و نقل و ترافیک

۳
فرامرز





گپ و گفت با سید محمد تشکری که اول

سید ارزان

گل دفتر



۳۶ سال از آن روزها می‌گذرد. از همان روزی که خیابان تبعیدی در یک مغازه خلاصه می‌شد. مردم از همه جای شهر و روستاهای اطراف می‌آمدند و صف می‌بستند که پارچه مورد نیازشان را کیلویی و ارزان تر از همه جا از سید ارزان فروش بخرند. همان

زمان‌هایی که کاسب محله خانه‌اش پهن دکان و دستگاف نوشته بود که ششوند و پارچه

شوهر شل نمی‌خواهم. یا باید از گرسنگی بمیرد و یا باید شفایش را از امام رضا بگیرد.» سید محمد که به سمت پدر می‌آید تا پیغام را برساند صحنه عجیبی می‌بیند. می‌گوید: «وقتی برگشتم دیدم بابام بلند شده و ایستاده و مردم دورش جمع شده‌اند و اشک می‌ریزند. جلو رفتم و گفتم آقا جان چه شده است؟ گفت یک آقایی آمد گفت سید احمد پاشو، خوب شدی. گفتم آقا جان پاهایم شل است؛ گفت پاشو. پدرم تا سن ۸۸ سالگی هم با پای سالم زندگی می‌کرد.»

مادرم بی‌بی فاطمه بیگم بود. هندوستان بهترین سیدها را که درجه بالایی داشتند، بیگم می‌گفتند. مادرم گفت من دیگر نمی‌توانم خیاطی کنم. اواخر تابستان بود. پدرم را گذاشت توی گاری دستی و او را به حرم برد. من حدود ۱۹ سال داشتم. آنجا چون گاری مجوز ورود نداشت، پدرم را بغل کردند و بردند داخل حرم. یادم هست آن طرف حرم بازارچه بود و دور حرم اتوبوس ۳۰۲ می‌ایستاد. آن سال‌ها یک بانک‌هایی بود که پول می‌دادیم و قبض امانت می‌دادند و اصلا بانک به معنای امروزی وجود نداشت.»

سید احمد را آوردند داخل حرم و شال سبزش را به پنجه فولاد می‌بندند و سر دیگرش را به گردنش. سیدمحمد می‌گوید: «پدرم خیلی هیکلش بزرگ بود و خوراکش زیاد. ننه‌ام امان نبود از دست خوراک پدرم؛ یعنی ۱۰ تا تخم مرغ را در یک وعده می‌خورد. ساعت ۱۱، ۱۲ که شد گرسنگی را طاق‌ت نیارود و گفت سید محمد برو به بی‌بی جان بگو مقداری نان به من بده؛ من گرسنه‌ام. مادرم یک کیسه لته‌ای را با بند در گردنش آویزان کرده بود که نان و پنیر و سبزی داشت. به مادرم که گفتم آقا جان گرسنه است؛ جواب داد، برو بگو من

نقد می‌خریدم و نسبه می‌دادم

پس از بهبود پدر هم، سید محمد با همان دوچرخه پارچه‌ها را به دهات می‌برد و درآمدش هم خوب است. سید محمد می‌گوید: «قرضی به کسی نداشتیم و جنس مال خودم بود. نقد می‌خریدم و نسبه می‌دادم. فقط هم پارچه نبود. شده بودم واسطه بین دهات و مشهد؛ آن‌ها هر چه از شهر می‌خواستند به من سفارش می‌دادند و من هم برای آن‌ها می‌خریدم. طلا، ظرف، پارچه و هر چه که فکرش را بکنید برای آن‌ها تهیه می‌کردم و نسبه می‌دادم.» هر کسی در روستا



دوچرخه آرزویم نبود؛ پیشرفت کار بود

سال ۴۶ زمانی که ۱۷ سال بیشتر ندارد از سه راه کاشانی دوچرخه‌ای می‌خرد: «دوچرخه را برای اینکه آرزویم بود نخریدم. برای این خریدم که آرزوی کار کردن داشتم. پارچه را نسبه از اوستایم، محمود قنبری در چهارراه شهدا می‌خریدم و با آن دوچرخه به دهات اطراف می‌بردم و نسبه می‌دادم. آن زمان خیلی از روستاها مانند کاظم‌آباد، دوست‌آباد و بغن‌آباد و ... را می‌رفتم و کسبم خیلی گل کرده بود.» در همان سال‌های نوجوانی پدر و مادر را هم به شهر می‌آورد تا دیگر ناچار نباشند برای ارباب کار کنند.

برای زندگی به شهر آمدیم

«وقتی دیدم پدرم برای ارباب کار می‌کند و تا یک سال حقوقی در کار نیست و مادرم ناچار است از چرخ خیاطی خرج زندگی را بدهد و چشم‌هایم کم‌سو شده است خانه‌ای به دو هزار تومان کرایه کردم و خواستم به شهر بیایند. گفتم خودم کار می‌کنم و خرجتان را می‌دهم.» کل اثاثیه‌شان یک چراغ گردسوز و سه‌پایه بالایش، یک کرسی و دو، سه تا هم قابلمه و دیگ و آفتابه و یک فرش زیلو است. سید محمد می‌گوید: «آن‌ها را آوردم شهر و بابا هم که دیگر ۶۰ سالش شده بود، در میدان شهدا روی گاری



چوب روی شانه‌هایم می‌گذاشتم و دو سطل آب را دو سر چوب می‌گذاشتم و حوض را پر آب می‌کردم. من ۶۵ بار باید مسیر آب را می‌رفتم و تا حوض برمی‌گشتم



سبب‌زمینی می‌فروخت. پس از دو، سه ماهی که هر روز سحرها سبب‌زمینی‌ها را با گاری از دهنو به شهر می‌آورد و ناچار بود از کال پر از آب یخ زیر پرتوی فعلی عبور کند، پاهایش روماتیسم گرفت و شل شد. همان سال دکتر شبیانی تازه از آلمان آمده بود. ارباب روستا که دکتر را می‌شناخت به ما معرفی کرد. وقتی بابا را بردیم بیمارستان امام رضا، گفتند باید دندان‌هایش را بکشیم، چون عفونت از دندان در پاهایش ریخته و با کشیدن دندان‌هایش خوب می‌شود. تمام دندان‌هایش را که فکر نمی‌کنم پوسیده بود، کشیدند و پاهایش خوب نشد.» بعد از آن یکی از پیرمردهای بیمارستان می‌گوید اگر پاهایت را به دستگاه جوش وصل کنی، خوب می‌شوی اما این کار را هم می‌کنند و پاهای سید احمد سست‌تر می‌شود.

مستأجر خانه اوستا علی نعل‌بند

در همان موقع در خانه سه‌راه کاشانی، خانه اوستا علی نعل‌بند مستأجر هستند. سید محمد از اوستا علی می‌گوید: «خدا بیامرززش. آدم خیلی خوبی بود. اسب‌ها را دور فلکه دروازه قوچان نعل می‌کرد. خودش کوره داشت و نعل را درست کرد و بعد اسب‌هایی که نعل‌هایشان خراب شده بود، می‌آوردند دروازه قوچان و نعلشان را عوض می‌کردند. حالا دکان کوچکش شده کلید فروشی در نزدیکی دروازه قوچان. نمازش را اول وقت می‌خواند و آدم درست و سختی بود. یک شب همان زمانی که مستأجرش بودیم قوم‌های روستایمان آمدند به خانه ما تا برای زیارت بروند. خانه سه در چهارش را به ما با یک لامپ ۴۰ وات داده بود. فردای همان شب دیدم لامپ راهرو را باز کرده است. مادرم گفت چرا این کار را کردی؟ گفته بود چون من با یک لامپ خانه را به شما اجاره دادم. مادرم از این رفتارش خوشش نیامد و رفتیم جای دیگر.»

پدرم شفایش را از امام رضا (ع) گرفت

«کم کم پدرم خانه‌نشین شد و دیگر نتوانست سر کار برود. مادرم هم گفت من شوهر شل نمی‌خواهم.

متولد روستای دهنوی شانندیز

«سید محمد تشکری هستم و در شناسنامه فامیلم تشکر است. در سال ۱۳۲۹ در دهنو، ۱۵ کیلومتری مشهد و اول جاده شانندیز متولد شدم. پدر و مادرم دخترعمو، پسرعمو بودند و من تک فرزند خانواده. زمان به دنیا آمدن من پدرم ۴۰ ساله بود و مادرم ۳۰ سال داشت. مادرم من را از امام حسین (ع) خواسته و حاجت روا شده بود. شب خواب می‌بیند که به او می‌گویند تو فرزنددار می‌شوی و نامش را سید محمد بگذار.»

در ۷سالگی در دبستان ۱۵ بهمن کوچه زردی نام‌نویسی می‌کنند و چون پدر و مادرش در روستا زندگی می‌کنند و پولی ندارند، در منزل پسر دایی‌اش در کوچه زردی ساکن می‌شود تا به مدرسه برود: «پدرم هفته‌ای یک بار می‌آمد از من خبر بگیرد و یک قران به من می‌داد. با همان پول توجیبی دوران دبستانم را با موفقیت به پایان رساندم. به سن

دبیرستان که رسیدم وقتی گفتم برای دبیرستان باید ۶ تومان بپردازیم، پدرم گفت تا آخر سال صبرکن که ارباب دستمزد من را بدهد.

آن زمان دستمزد پدرم در سال ۱۰ تومان و هزینه دبیرستان ۶ تومان بود. این شد که گفتم می‌خواهم کار کنم. همان زمان بود که مادرم برای کار هم من را به

پس‌دایی سپرد و گفت گوشش از شما و استخوانش از ما، پس‌دایی سید بزرگواری بود. خودش ۶ فرزند داشت؛ دختر و پسر که همه کوچک‌تر از من بودند. اما بسیار آدم سرسختی بود و شاگردهایش از او می‌ترسیدند.»

حوض پر می‌کردم

یاد آن روزها در ذهنش تداعی می‌شود. همان سال‌ها که درس صرف و نحو عربی و طلبگی را هم‌زمان با دبیرستان در مدرسه دودر، نزدیک حرم می‌خواند و کاسبی هم می‌کرد. او تمام دوران دبیرستان را نصف روز درس می‌خواند و نصف دیگرش را کار می‌کرد. خاطره نخستین روز سرکار رفتنش هم شنیدنی است: «اولین روزی که برای کار کردن با پس‌دایی همراه شدم ۱۱ ساله بودم. کار پس‌دایی در خیابان دریادل، روبه‌روی مدرسه حاج تقی‌آقا بزرگ بود.

چوب روی شانه‌هایم می‌گذاشتم و دو سطل آب را دو سر چوب می‌گذاشتم و حوض را پر آب می‌کردم. من ۵،۶ بار باید مسیر آب را می‌رفتم و تا حوض برمی‌گشتم. کوچه نوغان را روزی ۱۰ مرتبه طی می‌کردم؛ هر بار حدود ۳ کیلومتر. «تا پاسی از شب کارش همین بود؛ پر کردن آب حوض و جارو و بار گذاشتن آبگوش آن روز. این قدر تحمل وزن آن چوب و سطل‌های پر از آب برای او سنگین است که شانه‌هایش زخم می‌شود.

تسلط به ۳ زبان عربی، لاتین و ترکی

اما او هیچ وقت نمی‌گذارد پدر و مادرش متوجه سختی کارش شوند. معتقد است همان روزهای سخت، او را به این آینده شیرین رسانده است: «من زحمت کشیدم تا به آینده شیرین برسم. درس هم می‌خواندم. بعد از آن به شاگردی دم بست حرم رفتم. عربی یاد گرفتم. ترکی یاد گرفتم. زبان لاتین را هم تا حدودی یاد گرفتم. چون مشتری‌هایم خارجی‌ها هم بودند.»

پین پارچه‌فروش خیابان تعبدی است

ن فروش

سید محمد تشکری تنها بود و بساط پارچه را در حیاط می‌کرد. به خاطر کوچک بودن هوش روی ۱۰ مقوای کاهی شماره سه مشتری‌ها هر ۱۰ نفر داخل شان را انتخاب کنند و برونند

و باز ۱۰ نفر بعدی... به او سید کیلویی هم می‌گفتند. پدرش گفته بود: «سید محمد پارچه را که می‌گیری ۱۰ درصد بیشتر روی قیمتش نکش.» او هم حرف پدر را سرمه چشمانش کرده و شده بود معتمد و سید ارزان فروش محله...

می‌خواست دخترش را عروس کند خرید وسایل مورد نیازش مانند قالی و... را به سید محمد می‌سپرد و هر کسی مشتری خوش حساب بود، سید محمد برای او هر چه می‌خواست تهیه می‌کرد.

کاسبی‌ام گرفت و خودرو خریدم

«چند وقتی که گذشت کاسبی‌ام گرفت. بعد به ماشین‌داری افتادم. یک خودرو خریدم و ۲۸ سالگی گواهینامه گرفتم. همان زمان‌ها بود که ارباب قلعه که توکلی نام داشت پدرم را در کارخانه پشم‌ریسی عبداللهیان استخدام کرد. کارش وزن کردن پشم‌ها بود. پدرم بسیار پر انرژی کار می‌کرد صبح‌ها خروس‌خوان نشده مقابل در کارخانه بود. پیاده از اینجا تا ته خیابان می‌رفت. ساعت ۶ که سر کار می‌رفت، ساعت ۷ تازه کارخانه را باز می‌کردند. او مرد پر تلاش و درستکاری بود.» سید احمد در سال ۷۸ و در ۸۸ سالگی فوت می‌کند و در روز تعزیه‌اش صاحب قهوه‌خانه جلو کارخانه عبداللهیان به سید محمد می‌گوید بابای تو همیشه قبل از اینکه من دکان را باز کنم به کارخانه می‌آمد و خیلی منضبط و

قانون‌مند بود: «پیاده از اینجا می‌رفت کارخانه در ته خیابان و پیاده هم برمی‌گشت و هر روز هم به زیارت امام رضا(ع) می‌رفت. خیلی کاری و وقت‌شناس بود. او همه تلاشش را می‌کرد. اهل دزدی و کلک نبود. بسیار به حرام و حلال معتقد بود.»

خانه‌داری در سال ۴۳

همان سال‌های ۵۵ و ۵۶ که اوایل فروش پارچه‌های کیلویی سیدمحمد است، او به سید کیلویی معروف می‌شود. سید محمد می‌گوید: «در سن ۲۵ سالگی دو، سه خانه خرید و فروش کرده بودم. من سال ۴۳ اولین خانه‌ام را که یک خانه در قلعه شقا در سمرقند بود به ۷ هزار تومان خریدم که موتور آب هم داشت. قیمت آن خانه اندازه پول یک بسته سیگار الان است.» حاجی دهقان اوستایش که تلاش او و درستکاری‌اش را می‌بیند، رضایت می‌دهد دخترش را به عقد سید محمد درآورد. با اینکه وضعیت زندگی و درآمد سید محمد هم عالی است اما خانواده سیدارزان فروش باز هم در وسایل و لوازم زندگی قناعت می‌کنند و ساده زیست هستند.

دستگیری به دلیل اعلامیه

سال ۵۵ به دلیل اذیت‌های صاحب مغازه که قصدش پس گرفتن مغازه است، مغازه را به شخص دیگری می‌فروشد و باز با واتی که دارد دوره‌گردی می‌کند تا انقلاب شود. می‌گوید: «از همان ۱۴، ۱۳ سالگی در جلسه‌های انقلابی‌ها شرکت کردم و پای منبر کافی و بزرگان دیگری می‌نشستم و سال ۵۱ به دلیل حمل شبنامه‌های امام دستگیر شدم. انقلاب که شد رفتم تهران. ۴ فرزند داشتم که بزرگ‌ترینشان ۱۲، ۱۰ ساله بود. آن زمان مجاهدین خلق در تهران زیاد بودند و من چون هم سواد درسی داشتم و هم سواد قدیم با آنان وارد بحث می‌شدم. وقت آمدن امام هم با ۴، ۵ نفر از میدان ایشان همراه بودیم که کارها را مرتب کنیم. در مشهد هم کارگر گرفته بودم تا همراه پسر بزرگم با وایت جنس ببرند جلو خانه‌ها و نسبه بفروشند و کار من را ادامه دهند. وقتی امام آمد و دیگر خیالمان راحت شد بعد از یکی دو ماهی دوباره بازگشتم.»

خودم بودم و واتم و مشتری‌های خوش حساب

سید محمد پس از بازگشت همچنان به دوره‌گردی‌اش با وایت در محله‌های شهر و روستاها ادامه می‌دهد. حین کارش از درآمدش می‌تواند به شغل بساز بفروشی هم مشغول شود و بنگاه معاملات ملکی هم باز می‌کند و خانه‌هایی برای فروش در آزادشهر و زیبا شهر و چند محله دیگر می‌سازد: «کاسبی خوب بود و شب جیب‌هایم پر پول. وضع خوب شده بود و پارچه را با همان وایت برای روستاهای اطراف و محله‌های شهر مانند سمرقند و سی متری طلاب و حاشیه احمدآباد و میلان اول آزادشهر و... می‌بردم. این کار نه شاگرد آنچنانی می‌خواست، نه اجاره مغازه و نه هیچ هزینه دیگری. خودم بودم و واتم و آدم‌های خوش حسابی که برای آن‌ها پارچه و کالاهای دیگر می‌بردم.»

زود بدو، پرس، پده به خیاط که از مد نیفته

«سال ۷۱ حاشیه خیابان اصلی دکان پارچه فروشی داشتم. آن موقع مد پارچه آن چنان بود که در روزنامه می‌نوشتند: «زود بدو، برس، پده به خیاط که از مد نیفته.» و تصویر یک خانم که پارچه دستش بود در کنار این نوشته می‌آمد.» طنز اجتماعی به عقیده سید محمد تأثیر زیادی آن زمان روی مدرگرایی مردم داشت. یک بار هم در همان سال ۷۱ مغازه‌ای را که رهن کرده است، دزد می‌زند. می‌گوید: «آن مغازه در حاشیه خیابان توحید و در نزدیکی چهارراه میدان باز بود و پشت مغازه کاروانسرا بود. یک روز صبح که کرکره مغازه را بالا کشیدم دیدم پشت دیوار را سوراخ کرده‌اند و خیلی بی سر و صدا دو سوم جنس‌ها را برده‌اند. فقط چند لوله خالی پارچه و ته سیگارهای زرد آشنوی دزدها مانده بود که مشخص بود زمان زیادی داشتند.»

پیشنهاد سید جعفر میربانی

«یک سیدجعفر میربانی در این محله داشتیم که مقابل بیمارستان دکتر شیخ یک مغازه داشت و پارچه کیلویی می‌فروخت. او که ناراحتی‌ام را دید، یک روز گفت حالا که دزد زده به مغازه‌ات برو پارچه کیلویی بخر و بریز در حیاطت. سال ۷۲ هنوز مغازه اینجا را نخریده بودم. خانه اینجا را داشتم و مغازه‌ام جدا بود.

او از عبدالآباد تهران پارچه کیلویی می‌خرید. من با او آن زمان دوست بودم و از او پارچه می‌گرفتم و در حیاط خانه می‌فروختم.»

پدرش می‌گوید فقط ۱۰ درصد سود بخور و این می‌شود که هر چه جنس می‌آورند برای پیرمرد و گدا و پولدار و... همه یک قیمت است و همان ۱۰ درصد را روی جنس می‌کشد. کم‌کم حیاط بسیار شلوغ می‌شود و مردم برای خرید پارچه صف می‌بندند و هر ۱۰ نفر کاغذ می‌گیرند که داخل مغازه بیایند و جنس بخرند.

لبیناتی و قصاب و بقال کم‌کم بزاز شدند

سیدمحمد می‌گوید: «کم کم پسر سیدجعفر آمد ملک اینجا را خرید و دومین کاسب شد. کم‌کم بقال این خیابان شد بزاز، ماست فروش شد بزاز و گوشت‌فروش هم شد بزاز و این طور شد که بازار تعبدی شکل گرفت. بعد چند سال ۲۰۰، ۳۰۰ مغازه شدید و اینجا به بازار پارچه و پرده معروف شد.»

آوازه‌ای که به کل کشور رسیده است

حالا کار سید محمد گرفته است. او و فرزندان از همین مغازه نان درمی‌آورند و رزق حلال به خانه می‌برند. کارشان سکه شده و آوازه‌شان به کل کشور رسیده است و تاجرها آن‌ها را به جنس جور و خوش حسابی می‌شناسند. سید محمد می‌گوید: «از کل کشور زنگ می‌زنند و سفارش پارچه می‌دهند.»



بعد هم دستش را روی یکی از تاقه‌های خوش رنگی از حریر می‌گذارد و می‌گوید: «از این حریر ۷۰ رنگ داریم. از آن ساتن هم ۷۰ رنگ داریم. اگر یکی مشکی ۱۰ طاقه بخواهد ما سریع برای او می‌فرستیم

اما این ساده به دست نیامده است. این روی حساب صداقت و درستی شده است. این جنس را مثلاً ۱۰ تومان داده‌ایم به شما نمی‌دهیم ۱۹ تومان و خدا هم درست می‌کند. اینکه تاجری از شهری مانند تهران به تو اعتماد کند یعنی اعتمادش سرمایه تو است و می‌توانی روی آن حساب کنی.»

برکت ارزان فروشی

«تعبدی در آن سال‌های دور زمان شاه در محله زابلی‌ها بود و کوچه پشتی‌مان عرق‌خانه‌ای بود که صاحبش را امیر عرق فروش می‌گفتند. این سمت محله چاقوکش و عربده‌کش زیاد بود و وقتی ما اینجا ارزان فروشی را شروع کردیم این خیابان کم‌کم وجهه خوبی پیدا کرد. مغازه‌ها چند سال بعد شد ۵۰۰ میلیون و چند سال بعدترش یک میلیارد و ۵ میلیارد. کم کم عرق‌خورها مردند و... دیگر رسم نبود که آن دیگ عرق و آن عربده‌کشی‌ها بماند. وقتی من ارزان فروشی‌م را شروع کردم آن‌هایی هم که آمدند با ارزان‌فروشی شروع کردند ولی یواش یواش کلاس کارشان بالا رفت و شدند پرده فروش. هر جور خانم‌ها می‌خواستند و ظاهر زیباتر پارچه را آوردند.»

اینجا همه چیزهای قدیم هنوز هم هست؛ ساختار همان ساختار قدیم است. مغازه‌ها ۳ در ۶ در ۳ در ۵ است و بالای آن هم خانه‌هاست. تنها تفاوتی که با قدیم دارد این است که اینجا اول درهای کشویی حلبی بود و بعضی‌ها در حیاط برای مغازه‌هایشان گذاشته بودند و آهنی و چوبی بود اما حالا همه درها برقی و یک‌دست شده است. ■



روایت یک پزشک قدیمی از یک مرکز درمانی خاص

مکانی علمی برای درمان خلاقانه

هم محلی

دکتر رضوی می‌گوید: این تنها یک برنامه اردویی رایگان برای دیابتی‌ها نیست بلکه دکتر یزدی در این اردو تمام هم و غمش را می‌گذارد تا در بیانی ساده به این بیماران مراقبت از خودشان را بیاموزد و به آن‌ها یاد دهد که چگونه می‌توانند از عوارض این بیماری و سختی‌های آن آسان‌تر عبور کنند.

این پزشک با اشاره به اینکه این برنامه هر فصل برگزار می‌شود، توضیح می‌دهد: روال کار این اردوها به این شکل است که این بیماران یک روز از صبح دعوت می‌شوند و از مقابل درمانگاه با چند اتوبوس همراه دکتر یزدی و چند پرستار و پزشک به مناطق گردشگری حومه شهر برده می‌شوند و تا عصر پس از گذراندن دوره آموزشی باز می‌گردند.

● کادر قدیمی و خیره درمانگاه

یکی از حسن‌های این درمانگاه این است که کل کادر آن از پزشکان و پرستاران سابقه بالایی دارند. دکتر رضوی می‌گوید: کمترین سابقه افرادی که در کادر این درمانگاه فعالیت دارند ۱۵ سال است و این قضیه با سابقه بودن این کادر سبب شده است ارتباط نیروهای این درمانگاه با بیماران بسیار مطلوب باشد.

● درمانگاه سلامت در یک جمله

درمانگاه سلامت در یک جمله بیشتر پیشگیری از بیماری‌ها و آگاهی بخشی به شهروندان را در اولویت فعالیت‌های خود قرار داده است. این پزشک می‌گوید: مسئول امور عمومی درمانگاه سلامت برای بیماران کم‌بضاعت امکاناتی در نظر گرفته و به پذیرش ابلاغ شده است که بیمارانی با وضعیت ضعیف مالی را به این مسئول معرفی کنند که اقدامات لازم درمانی برای آن‌ها انجام شود.

● اعزام کادر درمانی و دارو به نقاط محروم حومه

این درمانگاه برنامه خاص دیگری دارد و آن دادن خدمات پزشکی و دارو به بخش‌هایی از حومه شهر است که دسترسی به امکانات پزشکی ندارند. دکتر رضوی در این باره با اشاره به فعالیت‌های خاص دیگر دکتر یزدی ادامه می‌دهد: هر چند وقت یک بار دکتر، کل کادر درمانی این درمانگاه را با خود به روستاهای اطراف مشهد می‌برد تا روستاییانی که دسترسی سختی به امکانات پزشکی دارند بتوانند تحت درمان رایگان قرار گیرند و داروی رایگان نیز به آن‌ها داده می‌شود که پوسترها و عکس‌های این خدمات هم موجود است. ■

از کودکی خیال پزشک شدن مجالش نمی‌دهد. همه دوران تحصیل فکر اینکه لباس سفید پزشکی بپوشد و بیمار ویزیت کند باعث می‌شد با شوق بیشتری درس بخواند. وقتی کنکور را پشت سر می‌گذارد این ذوق جایش را به ناامیدی می‌دهد. یک سال به تهران می‌رود و در رشته‌ای که دوست ندارد درس می‌خواند. این بی‌علاقگی باعث می‌شود دوباره در کنکور شرکت کند و سال بعد در دانشکده پزشکی مشهد ثبت نام کند. دکتر سید حسن رضوی سال ۱۳۵۹ فارغ التحصیل می‌شود. فارغ التحصیلی دانشگاه همزمان می‌شود با شروع جنگ تحمیلی. دکتر رضوی ۵ سال از اولین سال‌های خدمتش را به نظام وظیفه می‌رود و در سمنان که به قول خودش آن سال‌ها جزو مناطق محروم بوده خدمت می‌کند.

رضوی بعد از ۵ سال به مشهد برمی‌گردد و در بیمارستان ۱۷ شهریور مشغول کار می‌شود. او طی این مدت پزشک اورژانس است و شب و روز ندارد. طی این مدت ۸ بار پزشک حج می‌شود و به همراه کاروان حج عازم حج عمره و تمتع می‌شود. مدتی پزشک طب کار است و در شرکت‌های بزرگ به صورت پاره وقت فعالیت کرده و نیروهایشان را ویزیت می‌کند. حالا اما ۴ سال می‌شود که در درمانگاه سلامت مشغول کار است. او در این گفت‌وگو به این درمانگاه نگاه ویژه ای دارد. دکتر رضوی در این گفت‌وگو از درمانگاهی خاص در منطقه ما می‌گوید.

● همایش‌های علمی برای کادر درمانگاه

این پزشک متعهد که سابقه ۳۰ سال فعالیت بدون وقفه پزشکی و همچنین خدمت در بارگاه منور رضوی در نقش کفشدار زوار را دارد، توضیح می‌دهد: مدیر درمانگاه سلامت به افزایش جنبه علمی و سطح آگاهی پزشکان و پرستاران مرکز نیز توجه دارد و فعالیت‌های بسیار شاخصی در این حوزه در درمانگاه سلامت دارد. یکی از آن‌ها همایش‌های علمی، تخصصی است که در طبقه پنجم درمانگاه برای پزشکان و پرستاران برگزار می‌کند و ما می‌توانیم از مطالب علمی ایشان استفاده کنیم.

● برنامه اردویی آموزشی رایگان ویژه دیابتی‌ها

دکتر در بخش دیابت درمانگاه بیماران دیابتی را هر چند وقت یک بار برای گردش علمی به نقاط گردشگری مشهد می‌برد. برنامه‌ای که در هیچ کدام از درمانگاه‌های دیگر مشهد اتفاق نمی‌افتد.



درمانگاه سلامت در یک جمله بیشتر پیشگیری از بیماری‌ها و آگاهی بخشی به شهروندان را در اولویت فعالیت‌های خود قرار داده است



مستولان منطقه ۲ مشهد در روز بازگشت آزادگان به ایران به دیدار چند نفر از آزادگان ساکن در منطقه ما رفتند و از نزدیک به درد دل‌ها و خاطراتشان از زمان اسارت گوش دادند. در این روز این مستولان به دیدار علی اصغر پیل رایه که ۳ سال از عمرش در

اسارت بود، غلامعلی نوری که وی نیز ۳ سال اسیر دشمن بود و سید علی اکبر علی جعفری که ۷ سال در اسارت بود، رفتند. این افراد به رسم یادبود هدایایی را به آزادگان عزیز ساکن منطقه ما تقدیم و از سال‌ها پایمردی و آزادگی‌شان تقدیر کردند. ■

روایتی از مشکلات خیابان ولیعصر که رفت و روب و وضعیت پارک مهم‌ترینشان است

پارک اریب ممنوع!

در محله

این بار قرار است سری به خیابان ولیعصر بزنیم و از نگاه شهروندان این محله منظر شهر را نظاره کنیم. می‌خواهیم نگاهی دقیق‌تر به مشکلاتش بیندازیم و کمی پای درد دل شهروندان ساکن در این محله بنشینیم. مسئله‌ای که در نگاه اول منظر این خیابان را نازیبا جلوه می‌دهد وضعیت نامناسب پارک خودروهاست؛ یکی مورب است، یکی دوبل است و دیگری سوپل. مورد دیگر هم درختانی است که کمی سر شاخه‌هایشان خزان زده شده است. مشکل دیگر هم رفت و روب است که یکی دیگر از گلایه‌های اصلی شهروندان اینجاست.



● فضای سبز را آبیاری نمی‌کنند

یکی از کاسبان این محدوده با اشاره به اینکه اینجا نزدیک‌ترین فضای سبز انتهای خیابان است و دیگری در میدان فهمیده است، می‌گوید: سال گذشته که اینجا خبری از این همه بارندگی نبود درختان خیابان ولیعصر را سه مرتبه آب دادند ولی امسال که بارندگی این قدر زیاد بود که همه‌جا سیل جاری شد از اول سال تنها یک بار درختان خیابان ولیعصر آبیاری شده است که آن هم همین ۱۰ روز پیش بوده است و این درختان از همان اوایل تابستان خزان زده هستند. برات‌جور با اشاره به درخت مقابل مغازه‌اش توضیح می‌دهد: این درخت را ببینید چقدر با درختان دیگر بولوار ولیعصر متفاوت است. این را خودم آب دادم و سعی کردم آن را خوب و سبز نگه دارم. نمی‌گویم که شهرداری آب نمی‌دهد اما همین یک باری هم که از اول سال به این درختان آب رساندند این قدر سریع از هر درخت عبور می‌کردند که تنها چند قطره آب پای هر درخت می‌ریختند.

● وضعیت پارک اریب در خیابان

هادی فرخی، یکی دیگر از شهروندان ساکن این محله نیز می‌گوید: اگر قرار باشد از مهم‌ترین مشکل این محله یاد کنیم، ترافیک مهم‌ترین مشکل است. این شهروند توضیح می‌دهد: وضعیت اریب پارک در این محله تا خیابان‌های فرعی آن هم ادامه دارد. اینجا نظارتی نیست و هر کسی بسته به حوصله و زمانی که دارد به پارک در حاشیه این خیابان اقدام می‌کند.

وی یادآور می‌شود: تا چند ماه پیش که اینجا موتور بازار بود پلیس راهور دائم حضور داشتند تا موتورها را بگیرند و چیزی عایدشان شود اما حالا چند سالی است که محله از نظر پارک کردن خودروها در بی‌نظمی عجیبی است.

● کوچه‌هایی عجیب با شیرابه زباله

یکی دیگر از شهروندان می‌گوید: نظافت در فرعی‌ها خوب نیست. کنده‌کاری‌های اصلاح نشده بسیاری در کف آسفالت خیابان‌های فرعی است. رفتگران زباله‌ها را پرت می‌کنند در خودرو حمل زباله و تمام شیرابه‌های زباله روی زمین جاری می‌شود.

محصورزاده صحبت‌هایش را این گونه ادامه می‌دهد: کانکس‌های زباله را هم شهرداری گذاشته است این قدر بوی تعفن در این هوای گرم می‌دهد که جرئت نمی‌کنی از کنار آن عبور کنی. زباله‌هایی که در همان‌ها هم ریخته می‌شود تا مدت‌ها می‌ماند و من تا کنون ندیده‌ام که کسی نظافت این‌ها را انجام دهد.

● مشکل بررسی می‌شود

پس از این سخنان به سراغ جانشین رئیس پلیس راهور مشهد رفتیم. وی در پاسخ به گلایه شهروندان ولیعصر از مشکل پارک در حاشیه این خیابان می‌گوید: در این حوزه اولویت اصلی راهور با بولوار توس و حل مشکلات آنجاست. از نظر ما ولیعصر خیابان فرعی محسوب می‌شود و متناسب با فراوانی تصادف‌ها محله‌ها را در اولویت قرار خواهیم داد.

سرهنگ امامی در این باره اظهار می‌کند: این خیابان باید تحت نظارت سرهنگ عباس پور، رئیس پاسگاه پردیس، قرار داشته باشد و ما نیز به پاسگاه محله می‌سپاریم که حتماً این مورد را بررسی کند. این مسئول با تأکید بر اینکه شهروندان باید پلیس خودشان باشند، در ادامه توضیح می‌دهد: شاید بخشی از این مشکلات البته به فرهنگ‌سازی نیاز داشته باشد.

شهروندان باید بدانند مضرات این پارک دوبله و سوبله و نامنظم گریبان خودشان را خواهد گرفت و باعث سد معبر، تصادف، بی‌حوصلگی رانندگان دیگر و حتی درگیری و دعوا می‌شود و در نهایت ضررهای این بی‌نظمی گریبان خودشان را خواهد گرفت.

● محله ۶ صبح پاکیزه تحویل مردم است

رئیس اداره خدمات شهری منطقه نیز در پاسخ به وضعیت رفت و روب این خیابان اظهار می‌کند: در این خیابان هم نیروهای ما با سیستم abl رفت و روب را انجام می‌دهند و از ساعت ۹ شب تا ۶ صبح ماشین حمل زباله و پس از آن پاکبان‌ها موظف هستند محله را تمیز و پاکیزه تحویل شهروندان دهند. عابدینی توضیح می‌دهد: در این میان مشخص است که ماشین حمل زباله در چه زمانی به هر محله‌ای سر می‌زند و شهروندان باید در نزدیک‌ترین زمان ممکن زباله‌ها را بیرون بگذارند در منزل بگذارند.

این مسئله به این دلیل است که اگر شهروندان خیلی زودتر از موعد زباله‌ها را بیرون بگذارند زباله‌گردها به دلیل گران شدن مواد بازیافتی دست به کار می‌شوند و پلاستیک‌ها را پاره می‌کنند و نتیجه‌اش می‌شود همان شیرابه‌های کف آسفالت کوچه‌ها که مقصرش شهرداری نیست و کوتاهی مردم است. این مسئول خاطر نشان می‌کند: شهروندان در باره کانکس‌های زباله باید بدانند که این کانکس‌ها ویژه برگ و خاکروبه‌ای است که رفتگران از کوچه‌ها جمع‌آوری می‌کنند و مردم واقعا نمی‌دانند که نباید زباله‌های خود را در آن بریزند. وی ادامه می‌دهد: نتیجه زباله ریختن در این کانکس‌ها همین بوی تعفن و شیرابه‌های آلوده‌ای می‌شود که زبانش به خود شهروندان می‌رسد و با وجود شست‌وشوی هر ۱۰ روز یک بار این کانکس‌ها به دلیل رعایت نکردن نظافت از سوی شهروندان ما هنوز هم مشکل بوی بد آن را خواهیم داشت. ■

۱۰

آی خبر

در منطقه ۲ انجام می‌شود

بازسازی و احداث کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی در بولوار ابوطالب

پاییز نزدیک است. از کمتر از یک ماه دیگر باران می‌بارد و با آغاز فصل بارندگی آب‌گرفتگی‌ها شروع می‌شود. خودتان در خبرها خوانده‌اید که با اولین بارندگی برخی از کوچه‌ها درگیر آب‌گرفتی می‌شود. آب از جوی و جدول‌ها بیرون می‌زند و راه عبور و مرور مردم را بند می‌آورد. این را هم در نظر بگیرید ریختن زباله داخل کانال‌ها و جوی‌های آب اغلب عامل سرریز شدن فاضلاب از جوی و جدول‌هاست. شهرداری منطقه ۲ با شناسایی نقاطی که درگیر آب‌گرفتگی می‌شوند برای رفع این مشکل در خیابان ابوطالب اقدام کرده است.

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ از بازسازی کانال‌های فرسوده جمع‌آوری آب‌های سطحی در بولوار ابوطالب خبر داد و گفت: در این پروژه افزون بر بازسازی کانال‌های فرسوده، کانال‌های روباز نیز سرپوشیده خواهند شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احسان قیطاطی ادامه داد: این کانال به طول ۸۰۰ متر و با اعتبار ۶۰۰ میلیون تومان در بولوار ابوطالب حدفاصل میدان ابوطالب تا تقاطع عبدالمطلب در حال اجراست. وی افزود: با توجه به نزدیک شدن فصل بارندگی‌ها و برای جلوگیری از آب‌گرفتگی معابر این اقدامات در منطقه انجام می‌شود.

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ به دلیل سرپوشیده کردن کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی در این معبر اشاره و بیان کرد: این اقدام برای ایجاد مسیر دوچرخه در آینده نزدیک روی این کانال و ایمن‌سازی معبر انجام خواهد شد.

وی مدت قرارداد اجرای این پروژه را ۶ ماه بیان کرد و افزود: از تیرماه امسال این پروژه آغاز شده است و تاکنون ۱۲۰ متر کانال سرپوشیده جدید احداث و ۳۵۰ متر کانال قدیمی نیز بازسازی شده و روند اجرای پروژه ادامه خواهد داشت. ■



در بازدید معاون خدمات شهری شهرداری مشهد از منطقه ۲ اعلام شد

بهره‌برداری از ۳ پروژه فضای سبز تا پایان آذرماه امسال

پروژه‌های معاون خدمات شهری شهرداری مشهد به اتفاق شهردار منطقه ۲ و دیگر مدیران ستادی حوزه خدمات شهری از فضای سبز پارک خطی صد متری فاز ۱ و فاز ۲، پارک موضوعی کودک، فضای سبز بهارستان و فضای سبز میدان مصالح فروشان و بولوار کشاورز بازدید کردند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۲، مهدی یعقوبی با اشاره به پروژه‌های عمرانی و فضای سبز منطقه گفت: پروژه احداث پارک خطی صد متری فاز ۱ واقع در صد متری حدفاصل خیام تا ابوطالب با مساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع و اعتبار بالغ بر ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان، فضای سبز بهارستان واقع در اراضی سپاد با مساحت ۱۵۰۰۰ متر مربع و با اعتبار یک میلیارد و ۹۳۰ میلیون تومان تا پایان آذرماه به بهره‌برداری خواهد رسید.

معاون شهردار مشهد تأکید کرد: احداث پارک خطی صد متری فاز ۲ حدفاصل ابوطالب تا میدان امام حسین با مساحت ۳۴۰۰۰ متر مربع و با اعتبار بالغ بر ۳ میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان تا پایان شهریورماه به بهره‌برداری خواهد رسید. ■

محلات منطقه ما: زرکش، شهرک مطهری، مشهدقلی، نوده، توس، مهدی آباد، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین (ع)، هدایت، ایشارگران، شفا، قدس، ابوطالب، هنرور، مطهری، سمنز قند، آیت... عبادی، عامل، جانیاز، فرامر عباسی و بهاران

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: موسسه شهرآرام: مجیدخرمی
سردبیر شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری
مدیر منطقه شهرآرامحله: رضاسیفی
دبیر شهرآرامحله: محبوبه فرامرزی
تلفن شهرآرامحله منطقه ۲: ۳۷۱۷۵۶۷

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرامحله: میدان شهدا
نشانی دانشگاه یک

دفتر شهرآرامحله منطقه ۲: خیابان شهید کریمی، ۳۰، نبش تقاطع اول
پست الکترونیک: shahrara.2@mahalle2@shahrara.ir
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر



۱۱

رنگ آمیزی و خط کشی ترافیکی معابر منطقه ۲

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ از اجرای بیش از ۵۰۰ متر مربع رنگ آمیزی و خط کشی ترافیکی معابر منطقه ۲ در مرداد ماه امسال خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احسان قیطایی با بیان خبر فوق افزود: رنگ آمیزی گذرگاه‌های عابر پیاده منطقه با هدف ایمن سازی تردد عرضی عبور عابران پیاده انجام شده است. وی ادامه داد: رنگ آمیزی بیش از ۲۳۰ متر مربع از سرعتگیرهای آسفالتی و خط کشی بیش از ۲۵۰ متر مربع از گذرگاه‌های عابر پیاده در معابر بولوار توس، بولوار شفا، بولوار موسوی قوچانی، جانیاز ۷ و ۹ و بولوار کامیاب با اعتباری بالغ بر ۵۰۰ میلیون ریال انجام شده است. معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ بیان کرد: رنگ آمیزی و خط کشی دیگر سرعتگیرها، سرعتگاه‌ها و گذرگاه‌های عابر پیاده منطقه برای تسهیل در عبور و مرور و ایمن سازی مسیر تردد عابران پیاده در منطقه اقدام می‌کند.



۱۲

اشتغال زایی برای بانوان در فرهنگسرای حجاب

مدیر فرهنگسرای حجاب گفت: یکی از اقداماتی که در فرهنگسرای حجاب انجام می‌شود و بسیار از سوی بانوان استقبال می‌شود، برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف به صورت رایگان است.

به گزارش شهرآرامحله، سمیرا راسخی نژاد با بیان این مطلب افزود: فرهنگسرای حجاب با هدف توانمندسازی بانوان به برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان مانند ساخت زیورآلات، بافت مو، دوخت چادر و... اقدام کرده است. در این دوره‌های آموزشی شرکت کنندگان به صورت رایگان مهارت‌های تخصصی در محورهای یاد شده کسب می‌کنند. وی در ادامه به ایجاد بازارچه محصولات خانگی به صورت روزانه اشاره کرد و افزود: بانوان در این دوره‌ها شرکت می‌کنند پس از اینکه مهارت کسب کردند به درآمندی هم می‌رسند. فرهنگسرای حجاب با ایجاد بازارچه از این افراد حمایت می‌کند. مدیر فرهنگسرای حجاب ادامه داد: فرهنگسرای حجاب با هدف حمایت از کالای ایرانی و توانمندسازی بانوان به برگزاری بازارچه فروش محصولات خانگی از سوی بانوان اقدام می‌کند.



۱۳

برگزاری دهمین دوره المپیاد ورزشی بانوان محلات در منطقه

رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی منطقه ۲ از برگزاری دهمین دوره المپیاد ورزشی بانوان محلات منطقه ۲ خبر داد و گفت: این سری از مسابقات در ۶ رشته ورزشی و در بازه زمانی مرداد تا دی ماه برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، سجاده رستمی افزود: رشته‌های ورزشی بسکتبال، والیبال، فوتسال، هفت سنگ و داژبال به صورت تیمی و آمادگی جسمانی به صورت انفرادی برگزار خواهد شد. وی بیان کرد: مسابقات بسکتبال بانوان در ۴ مرداد ماه در قالب ۶۲ تیم و با حضور بالغ بر ۴۳۰ نفر در قالب ۱۴۴ مسابقه در مجموعه ورزشی آستان قدس پایان یافت و تیم‌های برتر مشخص شدند. رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی منطقه ۲ زمان برگزاری دیگر مسابقات را این گونه بیان کرد و افزود: فوتسال ۲۷ و ۲۸ مرداد، در قالب ۲۸ تیم و با ۳۳۶ شرکت کننده، داژبال ۲۰ آبان و هفت سنگ ۹ دی برگزار خواهد شد که این سری از مسابقات اکنون در حال ثبت نام از متقاضیان است.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

کنده کاری‌های اداره آب

شهروند: لطفا سری به انتهای ایشارگران ۱۳ بزنید. نزدیک به یک ماه و شاید هم بیشتر باشد که مسیر صدمتری را کنده کاری کرده‌اند. مسیر به کارگاه تبدیل شده است. با توجه به لوله‌هایی که دیدم کارگاه مربوط به شرکت آب و فاضلاب است. خودروهایی که از ایشارگران ۱۳ به سمت امام حسین می‌روند مجبورند مسیری را در خود صدمتری دور بزنند که این خیلی خطرناک است. به نظر پروژه‌هایی که با جان مردم سروکار دارد باید زودتر جمع و جور شود و کارگرها به صورت به شیفت کار کنند. باور کنید ترافیک و بوق و سروصدای خودروها امانت را بریده است. انتهای ایشارگران ۱۳ و ۱۱ تمام این مدت دگر ترافیک است. سروصدای خودروها آسایش را از ما گرفته است.

مشاوره تربیتی

مرضیه متولی طاهر: من یک پسر دارم که حالا نوجوان است شکر خدا خیلی هم سر به راه و عاقل است. اما در اطرافم مدرانی را می‌بینم که با نوجوان‌هایشان دگر نمی‌خواستم خواهش کنم در ستون یادداشت‌ها گاهی مشاوران درباره تربیت کودک و نوجوان صحبت کنند. شاید از این طریق ارتباط والدین با فرزندان‌شان بهبود یابد.

ملجری اسط‌های گالوانیزه

شهروند: لطفا فرهنگسرای کنده سطل‌های گالوانیزه محلات برای سرچاروهای رفتگرهای زحمتکش است نه زباله‌های مردم. سطل گالوانیزه خیابان نکاح همیشه بوی بد می‌دهد بارها دیده‌ام مردم زباله‌هایشان را در آن می‌اندازند، تذکر هم داده‌ام اما فایده ندارد.



مردمک

نمایی از ۵۰ متری کشاورزی، افتتاح به زودی...

۱۴

دریافتی